

بقیه از صفحه ۱۶

مدل دوم: الگوی یک نظام توریتریا  
 از نوع حزب بعث (مدل حافظ اسد یا  
 صدام حسین)

مدل سوم: الگوی جمهوری اسلامی  
 مدل چهارم: تداوم انقلاب  
 فلسطین و تحول جنبش انتفاضة  
 در کا در این مقاله، فرضیه این پژوهش  
 وهش به طور اساسی بر مدل اول استوار  
 است و بررسی سایر مدل‌ها را پس از جمع‌آوری  
 منابع و اطلاع‌ت، به مهلتی دیگر موقوف  
 کنیم. فرضیه را به صورت زیر می‌توان  
 عنوان کرد:

تشکیلات خود مختار فلسطین به دلیل  
 ضعف‌های ساختاری از یک سو (فقدان  
 یک رهبر کارسما تیک، فساد اداری و عدم  
 وجود نهادهای سیاسی، اجتماعی و مدنی  
 پایداری) و از سوی دیگر با چشم‌انداز  
 ازدست‌دادن مشروعیت مردمی، در یک  
 پروسه زمان‌نی مشخص، ضمن پایان  
 بخشیدن به روند انقلابی خود، سرانجام  
 برای بقای خود احتمال دارد طی فرآیندی  
 زدن استحاله و به غرب و آمریکا متوسل  
 شود. در این حالت همچنانکه سادات  
 جانشین ناصر، نتوانستند مدت‌ها  
 زیاده‌ها را در یک جنگ فرسایشی با  
 اسرائیل ادامه دهد چنین به نظر می‌رسد  
 جناحی از رهبران فعلی فلسطین ضمن  
 قبول طرح شارون، دولت خود مختار  
 را در مسیر جدیدی هدایت خواهند کرد  
 که به طور ماهوی با گذشته متفاوت است.

برای بررسی این فرضیه مروری بر مهم‌ترین سرفصل‌های انقلاب فلسطین  
 ضروری می‌نماید.

"برین تن" Brinton، جامعه‌شناس آمریکایی  
 (۶) در مطالعات خود پیش‌درمورد  
 چهار انقلاب را انقلاب بزرگ (انقلاب  
 صنعتی انگلیس، انقلاب سیاسی آمریکا،  
 انقلاب کبیر فرانسه)، تلاش نمود و  
 جوجه مشترک این انقلاب‌ها را تحت عنوان  
 نقاط عطف، مورد مطالعه قرار دهد.  
 وی معتقد است که این انقلاب‌ها از  
 چهار رفا زجبری مختلف، در عین حال  
 مشابه و تکرار شوند عبور نموده‌اند.

اگر از زاویه جامعه‌شناسی میکرو، "ترن  
 برین تن" در برخورد با انسان بسیار  
 ساده‌نگارانه و از نگاه انسان‌شناسی  
 بسیار رمانیک و بزرگوار است، ولی از  
 نگاه جامعه‌شناسی کلان‌شمایی قابل  
 قبول و کاربردی، حداقل برای تعدای  
 از تحولات انقلابی در دو قرن گذشته  
 است. البته با

پیداوری نمود که "ترن برین تن" به علت  
 یافتن برخی از ساختارهای اجتماعی  
 سیاسی بلوک شرق (چکسلواکی، لهستان،  
 .....) در مورد تحولات اجتماعی  
 این بلوک کاربرد ندارد.

بنابراین، با الهام از "ترن برین تن"،  
 توجه این مقاله معطوف به چگونگی  
 کاربرد این تئوری در جامعه فلسطین  
 است. به عبارت بهتر در این روش، انسان  
 به عنوان یک کنش‌گر فعال اجتماعی  
 در کانون توجه قرار می‌گیرد و محقق  
 علاقه مند است بفهمد که وی در لحظه  
 T+۱ به گونه‌ای دیگر عمل می‌کند.  
 (۷) در واقع پژوهشگر در تعقیب کنجکاوی  
 نه سوژه مورد علاقه خود، انتخاب‌های وی  
 را به اعتبار عناصر اجتماعی مورد مطالعه  
 قرار می‌دهد.

فاز اول: فاز شوروی‌ها و انقلابی و به  
 دست گرفتن قدرت سیاسی "برین تن"  
 معتقد است که فاز اول انقلاب‌ها در  
 پایان فرآیند دوشکست محقق خواهد  
 شد. از یک طرف، حاکمین قبلی به این نتیجه  
 می‌رسند که دیگر تکنیک‌های جدیدی  
 دربرگیرنده سرکوب فیزیکی ندارند و  
 در این زمینه به بن بست می‌رسند.  
 از طرف دیگر، جنبش سیاسی در پروسه  
 رشد خود به مرحله‌ای می‌رسد که هرگونه  
 توهم و ابهام را از ذهن توده‌های  
 مردم می‌زداید و با ورود عناصر  
 اجتماعی به صحنه سیاسی و روشن شدن  
 "موتور بزرگ"، تک‌تک نهادهای رژیم  
 قبلی فرومی‌ریزد و جنبش اجتماعی  
 موفق می‌شود حاکمیت سیاسی خود را  
 محقق سازد.

در کا در انقلاب فلسطین این فاز با  
 بنیان گذاری لفتح توسط عرفات در سال  
 ۱۹۵۸ در کشور کویت آغاز می‌شود و  
 پس از طی مراحل و سرفصل‌های  
 گوناگون و پیچیده، با ورود عرفات  
 در اول ژوئیه ۱۹۹۴ به سرزمین‌های  
 اشغالی به پایان می‌رسد. در چارچوب  
 محدودیت‌های این سرفصل‌ها این مقاله  
 به مهم‌ترین این سرفصل‌ها عبارتند از:  
 (۸)

۲۸ می ۱۹۶۴، به دنبال بنیان‌گذاری  
 سازمان آزادیبخش فلسطین در قاهره  
 با حمایت سیاسی جمال عبدالناصر،  
 شورای ملی فلسطین، اولین اجلاس خود  
 را در بیت المقدس شرقی برگزار می‌کند.  
 در این اجلاس، شیوه قهرآمیز به عنوان  
 تنها راه مبارزه با دولت اشغالگر  
 صهیونیست به تصویب می‌رسد.

۳۱ - ۱۹۶۴، اولین عملیات لفتح در داخل  
 خاک اسرائیل با موفقیت انجام می‌شود.

ژوئن ۱۹۶۷، شکست ناصردر جنگ شش‌روزه  
 موجب می‌شود که ذهنیت توده‌های  
 عرب نسبت به رهبران و پادشاهان  
 عرب تغییر کند و فکار عمومی اعراب  
 به سمت حمایت از سازمان آزادیبخش  
 فلسطین به عنوان تنها نماینده واقعی  
 مردم فلسطین میل کند. بعدها یکی از  
 رهبران فلسطین لفتح گفته بود که شکست  
 ناصربا عث شد که توده‌های فلسطینی  
 در یک سینی طلایی به سافت قدم  
 گردند.

۴ فوریه ۱۹۶۹، عرفات به عنوان ریاست  
 اجرایی سافت برگزیده شد. ۳۰ -  
 ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۰، در یک سرکوب  
 خونین در اردن، حدود ۳۰۰۰ نفر از  
 فدائیان فلسطینی توسط ملک حسین  
 قتل‌عام می‌شوند. این واقعه به  
 سپتامبر سیاه معروف می‌شود که  
 منجر به خیل عظیم مهاجرت فلسطینیان  
 به لبنان می‌گردد و تشکیلات مبارزاتی  
 فلسطین، مفر خود را به بیروت منتقل  
 می‌کند. ملک حسین گسترش جنبش  
 فلسطین را یک تهدید سیاسی برای  
 حاکمیت خود می‌دید.

۲۲ نوامبر ۱۹۷۴، عرفات ضمن حضور  
 در سازمان ملل متحد با شاکه زیتون  
 و یک اساحه، توانست مشروعیت بین  
 المللی سافت را تثبیت نماید.

ژوئن ۱۹۸۲، جنوب لبنان تا بیروت  
 توسط اسرائیل اشغال می‌شود و در نتیجه  
 مهاجرت سومی به مزارین فلسطین  
 تحمیل می‌شود که در رنهایت به انتقال  
 مقر سافت به تونس ختم می‌گردد.

۹ - ۱۹۸۷، شروع انتفاضة در سرزمین‌های  
 اشغالی است که به مدت ۶ سال به  
 طول می‌انجامد و رود توده‌های  
 فلسطینی در صحنه مبارزه سیاسی  
 با عث می‌شود که اسرائیل با عرفات  
 وارد مذاکره شود. به اعتقاد نگارنده  
 این همان مرحله‌ای است که "ترن  
 برین تن" از آن به عنوان مرحله بن  
 بست، چه در راه حاکمیت اسرائیل  
 و چه در بین مردم فلسطین، یا  
 دمی‌کند. به عبارت بهتر اسرائیلی‌ها  
 به این نتیجه رسیدند که در مقابل  
 جنبش انتفاضة هیچ راهی به جز پذیرش  
 عرفات به عنوان نماینده واقعی مردم  
 فلسطین ندارند. چنانچه اگر اجتماعی  
 شدن جنبش فلسطین در سرزمین‌های  
 اشغالی محقق نمی‌شد بعید به نظر می‌رسد  
 که اسرائیل، در مقطع پیمان صلح  
 اسلو، حق تاریخی فلسطینیان را مبنی  
 بر دارا بودن یک کشور مستقل

در سرزمین‌های اشغالی به رسمیت  
 بشناسد.

۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳، دیدار تاریخی  
 بین عرفات درواشینگتن با حضور  
 کلینتون، منجر به راه‌افتادن  
 صلحی شد که در فرآیند بعدی خود به  
 قرارداد سلوختیم گردید. در آن  
 روز کسی نمی‌توانست حدس بزند که  
 بهای این قتل‌صلح چنان دوا مضاعف  
 کننده اصلی این قرارداد خواهد بود.  
 می‌گویند راه‌تکامل اجتماعی، زنده‌سازی  
 فلسطینی و فلسفی بدون قربانی  
 دادن به پیش نمی‌رود ولی چنین  
 به نظر می‌رسد به همان میزان  
 نی که ترور را بین با عث پیشرفت  
 جنبش صلح در اسرائیل شد چنانچه  
 اگر فرضیه ترور سافت واقعتاً  
 داشته باشد مرگ وی ضایعه جبران  
 ناپذیری برای انقلاب فلسطین  
 خواهد بود، هرچند به جد می‌توان  
 گفت که آتش خون عرفات و همه مردم  
 فلسطین در درازمدت به زیان  
 اسرائیل خواهد بود.

۱ - اول ژوئیه ۱۹۹۴، عرفات پس از  
 حدود نیم قرن در تبعید، به میعادگاه  
 خویش به فلسطین بازمی‌گردد.  
 وی تشکیلات خود مختار خود را در  
 روزه مستقر می‌سازد. در اکتبر ۱۹۹۴  
 در یافت جایزه صلح نوبل، مشروعت  
 بین المللی دولت خود مختار فلسطین  
 را تحکیم می‌بخشد.

ورود عرفات به فلسطین و بااعلان  
 دولت خود مختار و با خروج اسرائیل  
 از شهرهای اصلی کرانه غربی در ژانویه  
 ۱۹۹۶ مرحله اول انقلاب فلسطین  
 که به دست گرفتن قدرت سیاسی  
 بود، به اتمام رسید. و انقلاب فلسطین  
 وارد فاز دوم خود شد.

فاز دوم: فاز بحران و حاکمیت  
 مد راه این فاز از ۲۰ نوامبر ۱۹۹۶  
 شروع می‌شود و با مرگ عرفات در بیمارستان  
 نظامی در جنوب پاریس در ساعت ۳۰.  
 ۳ با مدد پنجشنبه ۱۱ نوامبر ۲۰۰۴  
 پایان می‌رسد.

هنگامی که از واژه بحران استفاده  
 می‌شود، منظور این است که پس از  
 استقرار تشکیلات فلسطین، سرزمین‌های  
 اشغالی از خصایص جامعه‌شناسی  
 ختی زیر پر خوردار است:  
 الف - شکاف در جبهه انقلاب  
 "کارایل" تاریخ نو پس مشهور  
 انگلیسی می‌گوید:

بقیه در صفحه ۱۸